

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تقریرات درس خارج اصول

حضرت آیت الله سید محمد رضا مدرّسی طباطبائی یزدی دامت برکات

دوره‌ی دوم - سال نهم - سال تحصیلی ۹۱-۹۲

جلسه ۱۶ - سه‌شنبه ۹۱/۷/۱۸

طبق این پاسخ، این روایت نمی‌تواند دلالت کند که اگر در جایی مقتضای اصل (اعمّ از محرز مانند استصحاب یا اصل رافع تکلیف) عکس ما نحن فیه باشد باید احتیاط کرد.

احتمال دیگر آن است که این روایت مربوط به شبهه‌ی حکمی باشد؛ یعنی شخص نمی‌داند که مغرب شرعی چه هنگام رخ می‌دهد. این احتمال، خلاف ذیل روایت است که می‌فرماید: «تَأْخُذُ بِالْحَائِطَةِ لِإِدِينِكَ» زیرا شأن امام علیه السلام بیان حکم واقعی است و معنا ندارد که در پاسخ از حکم چیزی، امر به احتیاط کند.

حال اگر شبهه را حکمی بدانیم، معلوم است که امام علیه السلام ابتدا پاسخ او را داده‌اند و فرمودند: «أَرَى لَكَ أَنْ تَنْتَظِرَ حَتَّى تَذَهَبَ الْحُمْرَةُ» یعنی باید صبر کنید تا حمرة مشرقیه برود، و وقتی می‌فرمایند: «تَأْخُذُ بِالْحَائِطَةِ لِإِدِينِكَ» در واقع از روی تقیّه این سخن را فرموده‌اند؛ زیرا این حکم خلاف کلّ عامّه است و چون مکاتبه بوده است در ذیل آن چنین توصیه‌ای کرده‌اند تا مخالفان نتوانند علیه حضرت علیه السلام از آن مکاتبه استفاده کنند.

و اگر اصرار شود که این عبارت (تَأْخُذُ بِالْحَائِطَةِ لِإِدِينِكَ) از روی تقیّه صادر نشده است می‌گوییم با توجه به معنای لغوی احتیاط که حفظ و تعهد است، مراد از این جمله آن است که مبدا بی‌احتیاطی کنید و بدون تحقیق و تحصیل دلیل، قائل به دخول مغرب قبل از ذهاب حمرة شوید، در واقع مبدا متابعت غیر اهل کرده و قول به غیر علم داشته باشید، و این مقدار احتیاط نزد اصولیون نیز پذیرفته شده است و بیش از این مقدار، دلالتی ندارد.

و در نهایت می‌توان گفت چه سؤال مربوط به شبهه‌ی موضوعیه باشد و چه مربوط به شبهه‌ی حکمی باشد روایت دلالتی بر وجوب مطلق احتیاط ندارد؛ زیرا حضرت علیه السلام می‌فرمایند: رأی من این است که منتظر

باشید تا حُمره برود و در دین خود اخذ به احتیاط کنید؛ یعنی اینکه صبر تا ذهاب حُمره، اخذ به احتیاط است ولی اینکه آیا احتیاط در همه جا واجب است، از روایت به دست نمی‌آید. به تعبیر دیگر حضرت علیه السلام فرموده‌اند اگر در این مورد احتیاط کنید قطعاً بریء الذمه خواهید شد، اما اینکه در موارد دیگر نیز احتیاط واجب باشد از عبارت به دست نمی‌آید.

۳- عَائِي بْنِ إِبرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ وَ مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شاذَانَ جَمِيعاً عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ وَ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى جَمِيعاً عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ الْحَجَّاجِ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ علیه السلام عَنْ رَجُلَيْنِ أَصَابَا صَيْدًا وَ هُمَا مُحْرِمَانِ الْجَزَاءِ بَيْنَهُمَا أَوْ عَلَى كُلِّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا جَزَاءٌ فَقَالَ لَا بَلَّ عَلَيْهِمَا أَنْ يَجْزِي كُلُّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا الصَّيْدَ قُلْتُ إِنَّ بَعْضَ أَصْحَابِنَا سَأَلَنِي عَنْ ذَلِكَ فَلَمْ أُدْرِ مَا عَلَيْهِ فَقَالَ إِذَا أَصَبْتُمْ مِثْلَ هَذَا فَلَمْ تَدْرُوا فَعَلَيْكُمْ بِالْإِحْتِيَاظِ حَتَّى تَسْأَلُوا عَنْهُ فَتَعْلَمُوا؛

از امام کاظم علیه السلام سؤال شد که دو مرد با یکدیگر صیدی را شکار کردند در حالی که هر دو مُحْرِم بودند، آیا هر کدام باید کفاره بدهند یا کفاره بین آن دو تقسیم می‌شود؟ فرمودند: «بر هر یک است که کفاره‌ی صید را بپردازند». سائل می‌پرسد که بعضی اصحاب از من سؤال کردند و من پاسخ آن را ندانستم، امام علیه السلام فرمودند: «هرگاه به چنین چیزی برخورد کردید و ندانستید، احتیاط کنید تا اینکه سؤال کنید و بدانید».

اخباریون از این روایت استفاده می‌کنند و بیان می‌کنند که مثلاً در شبهه‌ی تحریمه یا وجوبه‌ای که علم به حکم نداریم باید احتیاط کنیم تا علم پیدا کنیم، آری اگر مواردی دلیل قائم شد که احتیاط لازم نیست تسلیم می‌شویم.

بررسی تمسک به این روایت

به نظر می‌رسد تعمق در این روایت روشن می‌سازد که ادعای اخباریون مبنی بر وجوب احتیاط لازم نیست؛ زیرا:

اولاً: این روایت مربوط به شبهه‌ی وجوبه است و اکثر اخباریون نیز احتیاط در این شبهه را لازم نمی‌دانند، بنابراین نمی‌توانند مورد را از حکم وجوب احتیاط خارج کنند.

۱. الکافی (ط - الإسلامیة)، ج ۴، ص ۳۹۱. سند روایت صحیح است، هر چند یک شاخه از سند به علت وجود محمد بن اسماعیل که مشترک بین عده‌ای است که برخی از آنها توثیق ندارد، ناتمام است.

ثانياً: این روایت بیان می‌کند: «إِذَا أَصَبْتُمْ مِثْلَ هَذَا فَلَمْ تَدْرُوا فَعَلَيْكُمْ بِالْإِحْتِيَاظِ» یعنی وقتی به مثل چنین چیزی که حکم آن را نمی‌دانید برخورد کردید بر شماست که احتیاط کنید تا اینکه سؤال کنید و حکم را بدانید. پس معلوم می‌شود مراد روایت، شبهه‌ی قبل از فحص است؛ زیرا سائل نمی‌دانسته است و امام علیه السلام فرمودند تا زمانی که سؤال کنی و علم پیدا کنی احتیاط کن.

حال اگر فحص کردیم و پاسخ را پیدا نکردیم مخصوصاً در زمان غیبت، آیا باز باید احتیاط کنیم؟ خیر، احتیاط تا زمان سؤال است تا بعد سؤال علم حاصل شود، اما اگر سؤال ممکن نبود یا با وجود سؤال، علم حاصل نشود و امید به حصول علم هم عادتاً نباشد این روایت شامل آنها نمی‌شود. در واقع روایت شامل شبهات بعد از فحص نمی‌شود و مواردی که بعد از فحص حکم دانسته نشود بلا معارض مشمول ادله‌ی برائت خواهد بود.

با بررسی این روایت، طوایف سه‌گانه‌ای که اخباریون به آنها در وجوب احتیاط تمسک کرده‌اند به پایان رسید. اما سلسله‌ای از روایات وجود دارد که چه بسا برخی از آنها به عنوان دلیل بر وجوب احتیاط استفاده کنند ولی فاقد سند هستند و برخی از آنها دلالتی نیز بر مدعای اخباریون ندارد، لذا با اشتغال به آنها چیزی بیش از آنچه ذکر کردیم به دست نمی‌آید و همان پاسخ‌ها در مورد این روایات نیز مطرح است. از میان این دسته یک روایت را ذکر می‌کنیم و آن نامه‌ای است که امیرالمؤمنین علیه السلام به عثمان بن حنیف که عامل حضرت در بصره بود نوشته‌اند. متن نامه آنچنان که در نهج البلاغه آمده چنین است:

أَمَّا بَعْدُ يَا ابْنَ حَنِيفٍ فَقَدْ بَلَغَنِي أَنَّ رَجُلًا مِنْ فِتْيَةِ أَهْلِ الْبَصْرَةِ دَعَاكَ إِلَى مَادُبَةٍ فَأَسْرَعْتَ إِلَيْهَا تُسْتَطَابُ لَكَ الْأَلْوَانُ وَتُنْقَلُ إِلَيْكَ الْحِيفَانُ وَ مَا ظَنَنْتُ أَنَّكَ تُجِيبُ إِلَى طَعَامِ قَوْمٍ عَائِلُهُمْ مَجْفُورٌ وَعَيْنُهُمْ مَدْعُوٌّ فَانظُرْ إِلَى مَا تَقْضُمُهُ مِنْ هَذَا الْمُقْضَمِ فَمَا اشْتَبَهَ عَلَيْكَ عِلْمُهُ فَالْفِظْهُ وَ مَا أَيَقَنْتَ بِطَيْبِ [وَجْهِهِ] وَجُوهِهِ فَنَلْ مِنْهُ ...

ای پسر حنیف، به من خبر رسیده است که یکی از جوانان اهل بصره تو را به سفره‌ای خوانده است و به سوی آن طعام شتابان رفته‌ای و غذاهای رنگارنگ برایت خواسته و کاسه‌های بزرگ به سویت آورده می‌شد و گمان نداشتم تو جواب دهی به طعام قومی که فقرای آنان محروم ماندند و اغنیا دعوت شدند. نگان کن به آنچه دندان بر آن می‌نهی از خوردنی و چیزی را که بر تو آشکار نیست دور بیفکن و آنچه را که دانستی پاک است بخور.

۱. نهج البلاغه (للصبحی صالح)، ص ۴۱۶.

اخباریون به عبارت «فَمَا اشْتَبَهَ عَلَيْكَ عِلْمُهُ فَالْفِظَةُ» تمسک می‌کنند و بیان می‌کنند هر آنچه علم به آن مشتبه شود باید رفع شود و تنها آنچه که یقین به طیب آن وجود دارد می‌توان مصرف کرد.

حقیقت آن است که اگر قرار باشد به چنین اطلاقی عمل شود، زندگی برای مسلمانان غیر ممکن می‌شود؛ زیرا هر جا که چیزی بخرند و احتمال بدهند حرام است باید کنار بگذارند؛ زیرا این اطلاق حتی قاعده‌ی ید را الغاء می‌کند، قاعده‌ای که امام علیه السلام فرمودند: «لَوْ لَمْ يَجْزْ هَذَا لَمْ يَقُمْ لِلْمُسْلِمِينَ سُوقٌ»^۱. بنابراین نمی‌توانیم به آن ملتزم شویم؛ زیرا قطعی است که در اسلام چنین عملی واجب نبوده است. پس باید گفت این احتیاط برای همگان به نحو وجوب نیست و لذا یا استحبابی است که آن نیز معلوم نیست که همه‌جا و با این اطلاق، احتیاط استحباب داشته باشد؛ زیرا در روایتی آمده است که کسی احتیاط می‌کرد از خرید چرم در بازار مسلمین، امام علیه السلام فرمودند: «أَتَرَعَبُ عَمَّا كَانَ أَبُو الْحَسَنِ يَفْعَلُهُ؟» آیا مقدس‌تر از امام کاظم علیه السلام ابو الحسن شده‌ای؟!

از سویی دیگر به نظر می‌رسد مراد شبهه‌ی موضوعیه باشد. ولو عبارت «فَمَا اشْتَبَهَ عَلَيْكَ عِلْمُهُ فَالْفِظَةُ» اطلاق دارد اما بعید است شبهه‌ی حکمیه مراد باشد، حداقل قدر متیقن آن شبهه‌ی موضوعیه است، در حالی که اخباریون نیز در این شبهه قائل به وجوب احتیاط نیستند. پس به‌ناچار باید روایت را حمل بر شرایط خاصی کرد که حکومت امیرالمؤمنین علیه السلام و عثمان بن حنیف داشته است؛ زیرا او استاندار بصره و نماینده‌ی امیرالمؤمنین علی علیه السلام بوده است و حضرت علیه السلام این روش را برای نمایندگان خود نمی‌پسندیدند و در همین خطبه حضرت می‌فرماید: «أَلَا وَإِنَّ إِمَامَكُمْ قَدْ اِكْتَفَى مِنْ دُنْيَاهُ بِطَمْرِيهِ وَ مِنْ طُعْمِهِ بِقُرْصِيهِ...»^۲؛ امام شما از این دنیا به دو قرض نان و لباس فرسوده‌ای اکتفا کرده است و شما

۱. مُحَمَّدُ بْنُ يُعْقُوبَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ وَ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ الْقَاسِمِيِّ جَمِيعاً عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ يَحْيَى عَنِ سُلَيْمَانَ بْنِ دَاوُدَ عَنْ حَفْصِ بْنِ غِيَاثٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: قَالَ لَهُ رَجُلٌ إِذَا رَأَيْتُ شَيْئاً فِي يَدِي رَجُلٌ يَجُوزُ لِي أَنْ أَشْهَدَ أَنَّهُ لَهُ قَالَ نَعَمْ قَالَ الرَّجُلُ أَشْهَدُ أَنَّهُ فِي يَدِي وَ لَا أَشْهَدُ أَنَّهُ لَهُ فَلَعَلَّهُ لِعَبْرَةٍ فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام أَوْ فَيَجِلُّ الشَّرَاءُ مِنْهُ قَالَ نَعَمْ فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام فَلَعَلَّهُ لِعَبْرَةٍ فَمِنْ أَيْنَ جَازَ لَكَ أَنْ تَشْتَرِيَهُ وَ يَصِيرَ مِلْكَاً لَكَ ثُمَّ تَقُولُ بَعْدَ الْمَلِكِ هُوَ لِي وَ تَحْلِفَ عَلَيْهِ وَ لَا يَجُوزُ أَنْ تَنْسُبَهُ إِلَى مَنْ صَارَ مِلْكُهُ مِنْ قَبْلِهِ إِلَيْكَ ثُمَّ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام لَوْ لَمْ يَجْزْ هَذَا لَمْ يَقُمْ لِلْمُسْلِمِينَ سُوقٌ. (وسائل الشيعة، ج ۲۷، ص ۲۹۲، ح ۳۳۷۸۰)

۲. عَلِيُّ عَنْ سَهْلِ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ الْجَهْمِ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي الْحَسَنِ علیه السلام أَعْتَرَضَ السُّوقَ فَأَشْتَرِي خُفّاً لَا أَذْرِي أَدْرِي هُوَ أَمْ لَا قَالَ صَلِّ فِيهِ قُلْتُ فَالْتَمَعْتُ قَالَ مِثْلُ ذَلِكَ قُلْتُ إِنِّي أَضِيقُ مِنْ هَذَا قَالَ أَتَرَعَبُ عَمَّا كَانَ أَبُو الْحَسَنِ علیه السلام يَفْعَلُهُ. (الكافي (ط - الإسلامية)، ج ۳، ص ۴۰۴)

۳. «... أَلَا وَ إِنَّ لِكُلِّ مَأْمُومٍ إِمَاماً يَقْتَدِي بِهِ وَ يَسْتَضِيءُ بِنُورِ عِلْمِهِ أَلَا وَ إِنَّ إِمَامَكُمْ قَدْ اِكْتَفَى مِنْ دُنْيَاهُ بِطَمْرِيهِ وَ مِنْ طُعْمِهِ بِقُرْصِيهِ أَلَا وَ إِنَّكُمْ لَا تَقْدَرُونَ عَلَى ذَلِكَ وَ لَكِنَّ أَعْيُنُونِي بَوْرَعٍ وَ اجْتِهَادٍ وَ عِقَّةٍ وَ سَدَادٍ...» (نهج البلاغة (للصبيحي صالح)، ص ۴۱۷)

قدرت بر این کار ندارید و هر کسی به حسب توانایی خود باید خود را به این مرتبه نزدیک کند. در هر حال این عبارت دلالتی بر مدّعی اخباریون ندارد.

بررسی نسبت ادلّه‌ی احتیاط و ادلّه‌ی براءت

بعد از پایان یافتن ادلّه‌ی وجوب احتیاط و عدم دلالت آنها بر وجوب احتیاط و پس از بیان ادلّه‌ی براءت و تمام دانستن آنها، این بحث مطرح شده است که اگر بر فرض ادلّه‌ی وجوب احتیاط تمام باشد چه نسبتی با ادلّه‌ی براءت دارد.

در حقیقت اصولیون در صدد بیان این مطلب هستند که حتی اگر ادلّه‌ی احتیاط تمام باشد نمی‌تواند با ادلّه‌ی براءت درگیر شود و این بحث مهم است؛ زیرا نظریه‌ی اخباریون همچنان فی‌الجمله دارای طرفدار طرفدار است.

مقرّر: سید حامد طاهری